



صندوق حمایت مالی
از
ژورنالیستان ۵



مسئولین امنیتی باید در قبال این مسئله جوابگو باشند و ستون پنجم و یا ششم را دستگیر نمایند .
ما خواهان دستگیری عوامل این قضیه هستیم .
قانون مندی مطبوعات و آیینہ روز



اجتماعی شدن



جوانان هدفمند نمادی از قدرت و توانایی

زریا یریانی

وردک و رسوایی در
تالاریوهنتون دنیا

من را در او بر دلوتی
وصوصی به مقام های
سیسیده اند و این بدان
سبب که به اهداف خود
نرسد و می خواهند پله
پله و پیشترت را
نیکی دیگری ببینند و
این مسئله فکر می کنند
سری تعیین نموده
نرسند.

چسب است با وجود
بر ناداری، بپاره
جنگ، ناامنی و ...
مشکل دیگر دست
یافتن رسیدن جوانان
و پیشترت می
اما باز هم چون گل
بریان مرداب های
می کنند و با قامت
ی اهداف والای خود

دختر فروش کرده
از جوانان ما هم
بیجا مانده اند و هم
و ناامیدی بسر می
و حتی به هدف
می کنند و احساس می
اگر به اهداف خود
ند به جایی نخواهند
دید و تعدادی
مسیرهای مختلف
گمراهی و تبااهی
در حرکت می کنند و
بین کردن هدف های
التر به اهداف بچ
رزش فکر می کنند.

سورت جوانان باید
یری را بهمانند که

بیشترین رقم سرمایه گذاری روی جوانان در کشور های غربی صورت می گیرد ، آنها به این اعتقاد اند که نسل قدیم جای خود را به نسل جدید می دهد و این نسل و تنها چیزی که به آن فکر می کنند نان است و تعداد کمی از آنها روی تعلیم و تربیت و هدفمند زنده گی کردن فرزندان خود فکر می کنند .

بهر صورت اینطور نیست که جوانان ما بی هدف است یا نباشند ، آنها خواهند هدفمند باشند ، با وجود اینکه در گرداب مشکلات گیر مانده اند و مجال فکر کردن را ندارند ، باز هم روی هدفمند زنده گی کردن فکر می کنند و برای خود برنامه های خوبی تهیه و تدارک می بینند .

امروز تعداد زیادی



جدید است که در آینده کشور را می سازد . به همین دلیل روی این فکر پرتلاش و پر انرژی سرمایه گزاری می شود و اجاب اینجاست که تنها دولت روی آنها سرمایه گزاری نمی کند بلکه خانواده ها هم نقش ارزنده

کنفرانسی در تالار پوهنتون دنیا از طرف صندوق حمایت مالی گرفته شد که در آن تعداد زیادی از اعضای صندوق حضور داشتند و فقط سه چهار نفر اعضای اصلی این صندوق از ۱۷ نفر حضور داشت و معلوم نبود که چرا دیگر اعضا دعوت وردک را لایب نگفتند.

در این کنفرانس باید گزارش سالانه مالی و اداری صندوق به این برگزار این داده می شد و در آخر آن کسانی که حمایت مالی از این صندوق کرده بودند باید تشکر و قدر دانی می شد، که هر چه این حرکت باید ۱۴ ماه قبل بعد از اینکه پول ها را گرفته بودند انجام می شد، اما موضوع فارسی و پشتو که تقدیر نامه را پشتو نوشته کنیم یا فارسی باعث شد که این تقدیر نامه ها در این مدت داده نشود و در کنار این مشکل هر حضری وردک و سفر های او به آلمان این موضوع را مشکل تر کرده بود.

بعد از این دستخراشی ها در مورد زباله ها از طرف شاروال سابقه که هیچ ربطی به صندوق نداشت می خواستند که تقدیر نامه ها را توزیع نمایند.

اما مدیر مسئول دو هفته نامه آیینیه روز و مسئول قانون مندی رسانه ها همه را در جریان حرکت مالی خلاف تعدادی از اعضای صندوق که به تعداد انگشتان هستند گذشت که متأسفانه مورد خشونت و بد رفتاری بانیگارد وردک و دو سه نفر دیگر قرار گرفت و دست اندازی ها و خشونت آنها باعث شد که تعدادی از حضار به طرفداری از وی بر خیزند و این حرکت جلوگیری نمایند.

این حرکت خیانت اوردک و این اطلاع رسانی می شد که نتنها باعث شد که در اطلاع رسانی خلل وارد شود بلکه ایشان با این حرکت می خواستند پرده روی تمام بی مدیریتی و حیف و میل های مالی بپزند.

دو هفته نامه آیینیه روز نه تنها این حرکت بی شرمه ایشان را که آزادی بیان را نقض می کرد تقبیح می نماید بلکه تشکر نکرد و سانس دوربین کنفرانس را از اثر کابل نیوز، ژانس و باختر و دیگر رسانه ها حرکت پر دانه می داند و به این دوسان می گوید که این حرکت بخاطر حمایت از پول و دارایی شما بود و اگر اطلاع رسانی کردم می خواستم شما بدانید که پول های دیگران را چه شده است.

معلوم نیست مدیریت کننده رسانه ها و دیگر نهادهای این موضوع خبر شده اند یا نه و اگر با خبر شده اند خیانت آور است که حمایت خود را اعلان نکرده اند و امیدوارم حسی بخاطر حقوق حقه خودشان کاری کنند که دیگر دست برد و حیف میل به دارایی های ما نه شود.

مقدمه

انسان در همه امور مجبور است تا قواعد اخلاقی، حقوقی و قوانینی را که در محل زنده‌گی او نافذ است بپذیرد. باوجوداینکه آزادی حق تمام انسان است، اما حتی کودکان نیز زمانی که کلمات زشت و توهم آمیز می‌زنند، والدین قواعد مخصوصی را برایشان در نظر می‌گیرند تا این مسئله تکرار نشود.

هدف از نوشتن قواعد و کدهای اخلاقی و حقوقی این است تا با خواندن آن خبرنگاران و کارکنان رسانه بی‌پی به اهمیت موضوع بپردازند و در روشنفبانی این قواعد بر برنامه‌های کاری خود را در نظر بگیرند و بدانند که بدون قواعد اخلاقی و حقوقی آزادی بیان ارزش خود را از دست می‌دهد و این مسایل باعث می‌شود که از نشر و بیان مطالبی که به دیگران ضرر می‌رساند پرهیز نمایند. این قواعد دریا زده فصل و یکصد و هشتاد و پنج ماده ترتیب یافته است و در قلم‌های بعدی شاید با همکاری دوستان این کدها کم و زیاد و یا تبصره‌هایی به آن اضافه شود و کوشش می‌کنیم در هر چاپ جدید مطابق به نیازهای زمان مطالبی را از آن حذف یا اضافه نماییم. در قوانین کشوری ما در مورد پایبندی‌های اعلانات و تبلیغات هیچ چیزی وجود نداشت و دوستان ما بخصوص شرکت‌های تبلیغاتی، مطبوعات و رسانه‌های تصویری و برقی باید بدانند که اشتباه در یک اعلان می‌تواند یک شرکت را ورشکست و یا اینکه اعلان یک دارو یا مواد غذایی بی‌کیفیت جان هزاران انسان را بگیرد.

بحث ما روی کدهای اخلاقی بود، ولی اکثریت کدهای حقوقی نیز بار اخلاقی دارند و ما اخلاقاً ملزم به رعایت آن هستیم و به همین دلیل است که ما تمام مطالبی که نفع آن برای عموم است در نظر گرفتیم و خواستیم که مسئولین رسانه‌ها، خبرنگاران و نهاد‌های خبرنگاری از آن استفاده نمایند. جای تاسف است که نهاد‌های خبرنگاری در افغانستان در مدت بیشتر از یک سال گذشته آمدند و فدراسیون خبرنگاران نیز اعلان کرد که گویا کدهای اخلاقی را ساخته‌اند و کار دیگران را به نام خود اعلان کردند ولی در عمل چیزی در چینه نداشتند؟! برای اولین بار دو کشور سیدمخدوم رهن وزیر سابق اطلاعات و فرهنگ کمیته‌یی از نهاد‌های خبرنگاری را موظف کرد تا کدهای اخلاقی خود را بسازند.

بیشتر از یک سال طول کشید تا کمیته پیش نویس سه صفحه‌یی خود را تقدیم وزارت کرد، ولی تعدادی از نهاد‌های سودجود بخصوص فدراسیون خبرنگاران و نی‌بخاطر کمک‌های خارجی اعلان نمودند که گویا پیش نویس کدهای اخلاقی را ساخته‌اند که این حرکت باعث اعتراض دیگر نهاد‌ها شد.

ولی مسئول نهاد قانون مندی رسانه‌ها بخاطر اینکه این کدهای اخلاقی نه تنها جامع نبود، بلکه بسیاری در آن سطحی نگری صورت گرفته بود، در آخرین کمیسیون نیز این مسئله را در مقابل دوستان و معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ تذکر داد که روی کدهای اخلاقی باید افراد متخصص و کاردان کارکنند و بررسی مجدد صورت گیرد و این سه صفحه که نمی‌تواند تمام محتوا را برساند و خیلی کمی‌ها و کاستی‌ها دارند.

بهر صورت کار کمیسیون و دوستان را بدون کم و زیاد کردن در آخرین مجموعه عیناً می‌نویسیم تا دوستان ما مطالعه مقایسه‌یی داشته باشند.

البته در کدهای ساخته شده کمیسیون روی مسایل مهمی که در کشور‌های مختلف به شکل قانون در آمده است کار صورت نگرفته و از مطالبی چون اسلام، منافع ملی، مصالح ملی، اسرار نظامی، اسرار دولتی، کدهای تجاری و تبلیغاتی، امنیت ملی و... خبری نیست.

ما بنا به درک عمیقی که از تعریف هر واژه داریم، خواستیم تا این کمی‌ها و کاستی‌ها جبران شود تا حدود و مرزهای اخلاقی و حقوقی را از هم تفکیک نماییم و به بیراهه نرویم. بهر صورت این مجموعه قواعد و کدهای

اسلام داشته باشد قابل قبول نمی‌باشد، به همین دلیل در تولیدات نشراتی و چاپی باید بر این نکته دقت بیشتر شود. ماده دوم: از ادبی بیان در تمام کشور‌ها حد خودی دارد که در کشور‌های اسلامی مطابق قوانین اسلامی و کشوری تعیین و در کشور‌های دیگر مطابق قوانین نافذه‌شان



اخلاقی و حقوقی را به تعداد محدود به چاپ می‌رسانیم و از این طریق نظرخواهی کرده نکات منفی و نکاتی که یادآوری نشده است



یادداشت و در چاپ دوم آنرا تصحیح کرده دوباره به نشر می‌رسانیم. از دوستانی که نظرات مختلف در مورد مواد این مجموعه دارند می‌خواهیم با دقت آنرا مطالعه نموده نظرات مثبت و منفی و پیشنهادات خود را به دفتر قانون مندی رسانه‌ها و یا فیس بوک (آی‌سین‌روز) در فیس‌بوک فقط آیینه روز بنویسید) بفرستند تا دوباره تصحیح و به دسترس شما قرار گیرد.

سید داود یعقوبی
مسئول مرکز قانون مندی رسانه‌ها



گروه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است در نشر مطالب بی‌طرفی عدالت، صحت، توازن و دقت را در نظر گیرند. ماده هفتم: گرچه در اکثریت کشور‌های جهان کمک‌های خارجی بی‌نیاز به نهاد‌های خصوصی ممنوع اعلان شده است، اما

پروژه‌های که نهاد‌ها و رسانه‌ها از کشور‌های مختلف می‌گیرند، باید طی کنفرانسی در حضور رسانه‌ها با تعهدات مشخص اطلاع‌رسانی شود و در ختم پروژه نیز عملکرد و نحوه مصارف آن مطابق قانون یک دسترسی به اطلاعات به رسانه‌ها و مردم شفاف و روشن اطلاع‌دهی گردد. این تعهدات نباید ناقص استقلال رسانه‌یی و حرفه‌یی، منافع ملی و امنیت ملی باشد. ماده هشتم: رسانه‌هایی که منابع مالی‌شان از خارجیان تأمین می‌شوند باید تمام اسناد، موافقتنامه، اسناد مصروف و نحوه مصروف خود را بطور شفاف در اختیار شورای عالی رسانه‌ها و دولت قرار دهند و صورت حساب مصروف خود را به همه گزارش دهند و پایبند قانون حق دسترسی به اطلاعات باشند.

ماده نهم: رسانه‌ها در نشر مطالبی که بر ضد ارتشاء، فساد، رشوه، پولشویی، خویشاوند گماری، غصب زمین‌های دولتی و غیردولتی، افشای چهره‌های سیاه و بدنام و دیگر سبای‌ها دلیرانه عمل نمایند و در این راه از خطرات احتمالی نهراسند.

ماده دهم: مطبوعات و رسانه‌ها در مقابل بیانات و نشرات مجرمانه و نشراتی که مسئولیت حقوقی و جرمی دارد، مسئولیت دارند. ماده یازدهم: دولت و امنیت ملی موظف است که دوتران و کمک‌کننده‌گان مالی را زیر نظر داشته باشند و از شرایط قرار دادهای آنها بین نهاد‌ها و رسانه‌ها آگاه باشند و در صورتی که از آزادی بیان و استقلال رسانه‌یی را نقض می‌کرد و به مصالح ملی و منافع ملی ضرر می‌زد مورد پیگرد قانونی قرار دهند و خبرنگاران در قسمت اطلاع‌رسانی در این زمینه هوشیار باشند و رسانه‌هایی که طی قرارداد مصالح ملی و امنیت ملی را به خطر انداخته‌اند افشا نمایند.

ماده دوازدهم: شخصی که در مورد انتشار یا پخش یک مطلب تصمیم می‌گیرد انجام دهنده عنصر مجرم رسانه‌یی و مباشر محسوب می‌شود و اشخاصی که در ارتکاب جرم همکاری کرده‌اند در ریف دوم قرار می‌گیرند به همین دلیل از نشراتی که بار حقوقی و جرمی دارد پرهیز گردد. ماده سیزدهم: هرگاه شخصی به مناسبتی در مطالب جرم‌همکاری رسانه‌یی مورد اشاره و انتقاد قرار می‌گیرد، دارای حق جواب است و می‌تواند نظر مکتوب و یا نقطه نظرات خود را در همان رسانه‌ها و یا برنامه‌ها برساند و رسانه‌ها موظف آنرا نشر کنند (مطابق حکم قانون رسانه‌های همگانی).

ماده چهاردهم: انتخاب اخبار و گزارشات نادرست با سئوئیت که باعث اختلال در زنده‌گی افراد و نظم عمومی شود نادرست است. ماده پانزدهم: رسانه‌ها نباید از اردست سیاست‌مداران، سرمایه‌داران و افراد زورگو قرار گیرند و از آنها سئو استفاده شود و یا این افراد و گروه‌ها توسط پول خود مسیر رسانه‌یی را تغییر دهند.

ماده شانزدهم: رسانه‌ها باید افراد خود را برای ارتقاء ظرفیت، درک بهتر اخلاق رسانه‌یی و جرایم مطبوعاتی به آموزشگاه‌ها بفرستند تا در قسمت کدهای اخلاقی، حقوقی، جرایم مطبوعاتی و رسانه‌یی معلومات بیشتر حاصل نمایند، زیرا ندانستن قانون مانع اجرای عدالت نمی‌شود. ماده هجدهم: نهاد‌ها و دولت باید در پی ایجاد این آموزشگاه‌های کوتاه مدت باشند تا جرایم رسانه‌یی، تخطی و تخلف و حتی جرم رسانه‌یی کم شود.

ماده هجدهم: نهاد‌ها و اتحادیه‌های رسانه‌یی پل ارتباط بین مردم و رسانه‌ها اند و وظایف ذیل را بدرستی انجام دهند: - حر است از آزادی بیان - حفظ شهرت رسانه‌ها و مطبوعات در انطباق با عالی‌ترین استاندارد‌های حرفه‌یی و بازرگانی.

ماده سي ويكم : هنگام انجام مصاحبه يا

ماده صد و بیست و هفتم: مالکیت آثار سفارشی به پدیدآورنده آن است با وجود اینکه به کمک مالی سفارش دهنده انجام یافته باشد.

ماده صد و بیست و هشتم: استفاده از مطالب و ایده ها دیگران نقض حقوق آنان نیست بشرط آنکه با ذکر منبع باشد.

فصل نهم

کد های هتک حرمت

ماده صد و بیست و نهم: هتک حرمت هر عمل یا بیانی که به آبرو یا اعتبار یک شخص لطمه وارد کند می باشد و موارد مختلف دارد که به دسته بندی های "هتک حرمت کارکنان دولتی"، "هتک حرمت اشخاص حقوقی"، "هتک حرمت اسلام"، "هتک حرمت اموات"، "هتک حرمت شخصیت های ملی و کشوری"، "هتک حرمت گرو ها و احزاب" که در مقابل هریک از اینها الزامات اخلاقی و حقوقی داریم.

ماده صد و سی و یکم: اهانت به مقدسات اسلامی جرم بزرگ است و ما پایبندی های اخلاقی و حقوقی داریم.

ماده صد و سی و یکم: اهانت به مقدسات و ادیان جرم است و ما اخلاقاً نیز ملزم هستیم که نه تنها به مقدسات اسلامی بلکه به تمام ادیان احترام بگذاریم.

ماده صد و سی و دوم: اهانت به مرده گان که از خود دفاع کرده نمی تواند کارناشیست است.

ماده صد و سی و سوم: در صورت هتک حرمت به گروه ها و احزاب آنها می توانند طرح اقامه دعا کنند.

فصل نهم

کد های افتر-توهین - نشر اکاذیب

ماده صد و سی و چهارم: توهین، دشنام، فحاشی و استعمال کلمات رکیک امری است ناپسند و نیاید صورت گیرد.

ماده صد و سی و پنجم: نشر اکاذیب و اهانت آمیز در مورد اشخاص و حتی کالا های تجاری ممنوع است.

ماده صد و سی و ششم: نشر اکاذیب به قصد زیان رسانی به مقامات دولتی و غیردولتی که باعث تشویش اذهان عمومی شود کار نادرست است و پیگرد دارد.

ماده صد و سی و هفتم: بیان موهن، خلاف واقع و یا انتساب یک شخص، گروه و حزبی به قتل، زدی، خیانت و... پیکرد قانونی دارد و اخلاقاً ناپسند صورت گیرد.

ماده صد و سی و هشتم: در تحلیل ها و تفسیر ها و میز های گرد در صورت بیان مطالب باید مدارک مستند و قانع کننده ارائه شود و رسانه ها باید از انتشار بیانات کذب، دروغ، و غیر واقعی جلوگیری نماید.

فصل دهم

کد های قضایی

ماده صد و سی و نهم: رسانه ها می توانند تمام مدارک بدست آمده از جرم را از دادگاه ها بخواهند و با شواهد صحبت کنند.

ماده صد و چهل: در تولیداتی که قصد رسانه از ساختن یک فلم بر مبنای واقعیت های جنایی و یا... باشد چون شخصیت فرد و خانواده اش در میان است باید از دادگاه اجازه بگیرد.

ماده صد و چهل و یکم: در شرایطی که فلم برداری رسانه ها باعث می شود که حریم خصوصی افراد نقض شود این حرکت مستلزم اجازه از دادگاه و فرد قربانی است.

ماده صد و چهل و دوم: در مصاحبه های مسئولین قضایی، نباید آنها تحت فشار قرار گیرند که در مصاحبه خود طرف واقع شوند و عدالت قضایی زیر پا شود.

ماده صد و چهل و سوم: بعد از اخذ برانت فرد دیگر مجرم نیست و نباید رسانه ها او را تحت فشار قرار دهند.

ماده یکصد و چهل و چهارم: افشای مسائل جرمی از وظایف هر شهروند است و رسانه ها باید دقت کنند که فرد بی گناه را مجرم

ماده صد و بیست و یکم: جهانی بودن حقوق معنوی

این حقوق طبق ماده ۴ قانون حمایت از مولفان، مصنفان و هنرمندان مورد احترام همه مردم جهان است.

ماده صد و بیست و دوم: حقوق مادی "حق تکثیر"، "حق عرضه" و "حق ترجمه" و همه تبدیل اثر "مربوط به خالق اثر است و همه باید از این حق دفاع کنند.

ماده صد و بیست و سوم: در صورت ترجمه



آثار باید نام مولف در ابتدا و بعداً نام مترجم نوشته شود.

ماده صد و بیست و چهارم: در صورت وگذاشتن چاپ و فروش اثر به شخص دیگری بعد از ختم قرارداد، قرارداد کننده دیگر صلاحیت چاپ و نشر را ندارد.

ماده صد و بیست و پنجم: تولید کننده گان نرم

آن اثر را به صورت بی نام منتشر کند.

آن اثر را به نام مستعار منتشر کند.

ماده صد و شانزدهم: پدیدآورنده می تواند در صورتی تحریف اثر یا تغییری که نسبت به اعتبار و شهرت و زیان بار باشد از استعمال نام خود به عنوان پدیدآورنده آن اثر جلوگیری کند.

ماده صد و هفدهم: در استفاده از منابع باید ذکر منبع صورت گیرد، بدون ذکر منبع هیچ کس حق ندارد از آثار دیگری استفاده کند.

ماده صد و هجدهم: حق انتشار و ایامد انتشار اثر به عهده نویسنده است و او می تواند حتی در صورت قرارداد آنرا فسخ نماید و هیچ کس نمی تواند پدیدآورنده اثر را مجبور به انتشار آن کند و حقوق معنوی پدیدآورنده گان محدود به زمان و مکان نیست و غیر قابل انتقال است.

ماده صد و نوزدهم: حق تکثیر یا تجدید چاپ

ماده صد و بیست و یکم: جرایم مربوط به جنسیتی، امروز ناشیوب، خانواده گی، دعوی تمکین، فسخ نکاح یا طلاق بخاطر عیب زن و یا مرد شامل حریم خصوصی است.

ماده صد و بیست و یکم: افشای هویت کسانی که قربانی تجاوز شده اند کار درستی نیست، مگر اینکه خودشان بخواهند.

ماده صد و بیست و یکم: تبصره روی کسانی که جرایم کوچک نموده اند و دوباره فراموش شده باعث می شود که فرد به جرایم دیگر دست زند و این حرکت زمانی می تواند پسندیده باشد که منافع عموم در آن باشد.

ماده صد و بیست و یکم: مصاحبه کمپنی و یا غافلگیر کننده درست نیست و فرد مذکور حق دارد یا جواب ندهد و یا اینکه این مصاحبه را به وقت بعد موکول کند.

ماده صد و بیست و یکم: افشای ریاکاری ها و ارتشاء و فساد حق هر رسانه است.

فصل ششم:

کد های مالکیت های فکری

ماده صد و دوازدهم: حقوق مالکیت های فکری محترم است و هیچ کس این حق را نادیده گرفته نمی تواند.

ماده صد و سیزدهم: حق افشا یا انتشار اثر: به موجب این حق، تصمیم گیری درباره انتشار یک اثر منحصراً با پدیدآورنده آن است. حق انتشار در وقوع از قروع و لوازم آزادی بیان است که به موجب آن اشخاص نه تنها آزادند عقاید خود را بیان کنند، بلکه همچنین آزادند تا از بیان عقاید خود امتناع کنند و نمی توان کسی را به بیان افکارش مجبور کرد.

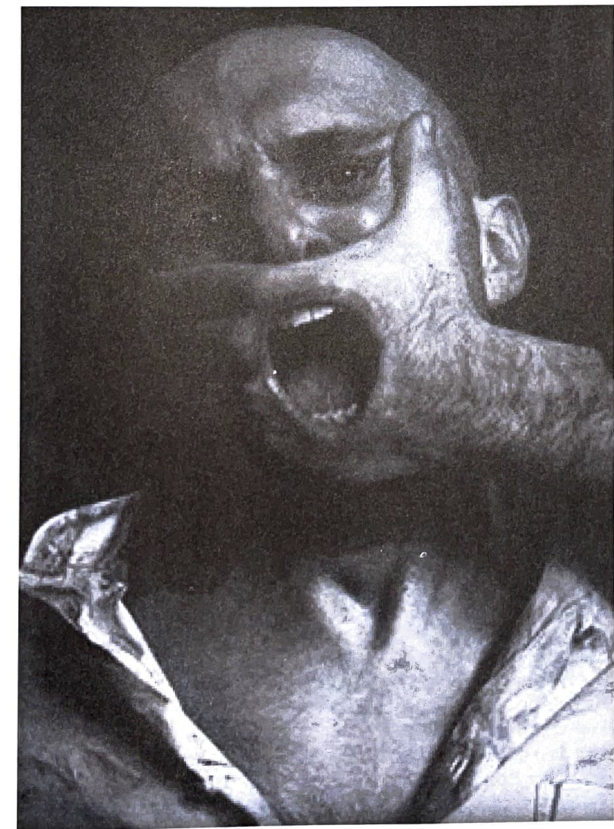
ماده صد و چهاردهم: هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت قانون کپی رایت است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا علماً و عمداً و به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا بخش یا عرضه کند مجاز نیست.

ماده صد و پانزدهم: حق انتساب اثر یا حق شناخته شدن به عنوان پدیدآورنده اثر باید به پدیدآورنده واقعی آن منتسب شود و نه به کسانی که به انجای دیگری در ایجاد کمی یا کیفی اثر نقش داشته اند.

ماده صد و شانزدهم: هر شخصی به اندازه بی که در ایجاد آن نقش داشته است منتسب شود نه کمتر و نه بیشتر. هرگونه انتسابی که خلاف این امر باشد انتساب دروغین نامیده می شود.

به موجب این حق، چنانچه پدیدآورنده بخواهد از حق انتشار استفاده کند و اثری را منتشر کند می تواند:

- آن اثر را به نام خود منتشر کند.



بهره برداری و نشر و پخش هر ترجمه بی متعلق به اوست و می تواند این حق را به وارث و یا فرد دیگری انتقال دهد و انتقال گیرنده قایم مقام انتقال دهنده است.

ماده صد و بیست و یکم: حقوق معنوی آثار مربوط به مولفان، مصنفان و هنرمندان و... است و این حقوق معنوی محدود به زمان و مکان نیست.

اطلاعات خصوصی افرادی که در زندان ها بخاطر جرمی که باعث صدمه زن به خانواده و حیثیت خانواده گی و یا خوش می شود و یا افرادی که بیماری هایی دارند که افشای آن باعث خجالت و ناراحتی های روحی و روانی می شود و به حریم خصوصی شان صدمه می زند، ندارد.

ماده صد و سوم: مصاحبه با خانواده قربانیان و یا مصیبت دیده گان در شرایطی که تعادل روانی ندارند و احساساتی و دور از عقل صحبت می کنند کار درستی نخواهد بود (در قانون رسانه های همگانی نیز صراحت دارد)

ماده صد و چهارم: رضایت بیمارانی که بیماری های خطرناک و یا جنسی و مقاربتی دارند در مصاحبه حتمی است و آنانی که نمی خواهند هویت شان فاش شود بر ایشان احترام شود.

ماده صد و پنجم: هیچ فردی را مجرم گفته نمی توانیم مگر اینکه سه محکمه با صلاحیت در مورد آن حکم صادر کرده باشد.

ماده صد و ششم: حریم خصوصی محاکمی که بر اساس آن فیصله ها صادر می شود و راز های خانواده گی در آن وجود دارد محترم شمرده خواهد شد.

ماده صد و هفتم: جرایم مربوط به جنسیتی، امروز ناشیوب، خانواده گی، دعوی تمکین، فسخ نکاح یا طلاق بخاطر عیب زن و یا مرد شامل حریم خصوصی است.

ماده صد و هشتم: افشای هویت کسانی که قربانی تجاوز شده اند کار درستی نیست، مگر اینکه خودشان بخواهند.

ماده صد و نهم: تبصره روی کسانی که جرایم کوچک نموده اند و دوباره فراموش شده باعث می شود که فرد به جرایم دیگر دست زند و این حرکت زمانی می تواند پسندیده باشد که منافع عموم در آن باشد.

ماده صد و دهم: مصاحبه کمپنی و یا غافلگیر کننده درست نیست و فرد مذکور حق دارد یا جواب ندهد و یا اینکه این مصاحبه را به وقت بعد موکول کند.

ماده صد و یازدهم: افشای ریاکاری ها و ارتشاء و فساد حق هر رسانه است.

فصل ششم:

کد های مالکیت های فکری

ماده صد و دوازدهم: حقوق مالکیت های فکری محترم است و هیچ کس این حق را نادیده گرفته نمی تواند.

ماده صد و سیزدهم: حق افشا یا انتشار اثر: به موجب این حق، تصمیم گیری درباره انتشار یک اثر منحصراً با پدیدآورنده آن است. حق انتشار در وقوع از قروع و لوازم آزادی بیان است که به موجب آن اشخاص نه تنها آزادند عقاید خود را بیان کنند، بلکه همچنین آزادند تا از بیان عقاید خود امتناع کنند و نمی توان کسی را به بیان افکارش مجبور کرد.

ماده صد و چهاردهم: هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت قانون کپی رایت است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا علماً و عمداً و به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا بخش یا عرضه کند مجاز نیست.

ماده صد و پانزدهم: حق انتساب اثر یا حق شناخته شدن به عنوان پدیدآورنده اثر باید به پدیدآورنده واقعی آن منتسب شود و نه به کسانی که به انجای دیگری در ایجاد کمی یا کیفی اثر نقش داشته اند.

ماده صد و شانزدهم: هر شخصی به اندازه بی که در ایجاد آن نقش داشته است منتسب شود نه کمتر و نه بیشتر. هرگونه انتسابی که خلاف این امر باشد انتساب دروغین نامیده می شود.

به موجب این حق، چنانچه پدیدآورنده بخواهد از حق انتشار استفاده کند و اثری را منتشر کند می تواند:

- آن اثر را به نام خود منتشر کند.

پارلمان خالی شاگردان غیر حاضر

جیلانی "شمس"

یاد پارلمان های دوره ظاهر شاه بخیر که ساعت هفت صبح در سر کوچه انتظار موتر سرویس را می کشیدند تا به مجلس بروند و غیر حاضر نشوند و جالب اینکه نیم ساعت زود تر از وقت اداری به کار خود حاضر بودند و می دانستند که پیش بردن کار میلیون ها انسان و ترتیب و تصویب قانون



کار مشکل است و در تمام دوره کاری خود کوچکترین خلاف را نمی کردند و می گفتند که چشم امید مردم به طرف ماسست و ما نماینده گان مردم این کشور هستیم:

هر چه بگندد نمکش می زنند
وای بدان روز که بگندد نمک

بهر صورت اگر نیم نگاهی به میز های گرد نماینده گان مجلس ببنداریم می بینیم که نقد و نظر شان زیاد است و به همه انتقاد می کنند، اما اگر از خودشان پرسیده شود که چرا در یک سال هشت ماه غیر حاضری دارند و به سفر های دویی، مکه شریف و اروپا می روند، مشکل است که جواب بدهند.

البته تعدادی کمی از اعضای پارلمان است که به این نکته توجه می کنند و می دانند که کار های کشوری زیاد است و هر روز باید اجزای جدید و طرح نو ریخته شود تا مشکلات مردم کم گردد.

اما تعدادی دیگر می دانند که این صنف نه حاضری دارد و نه معلم آنها را غیر حاضری می کند و این سست گیری و نپرسیدن ها باعث می شود که آرام بخوابند و به تجارت و سفر های خارجی بپردازند، بلا د پس مردم و امنیت کشور که چه می شود.

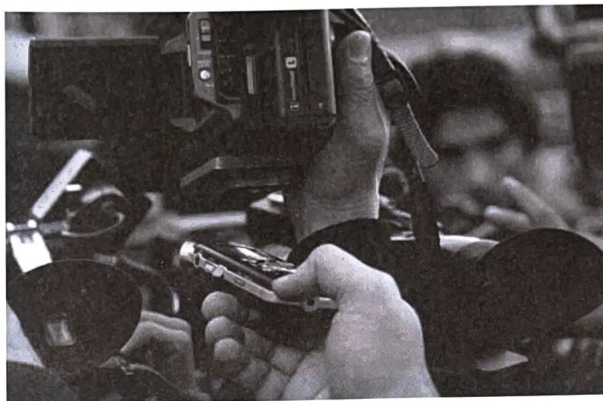
اما راه حل ساده بی است که می تواند این مشکل مکتب گریزی ها را حل سازد و به این مشکل عمده رسیده گی کند، آن اینکه مجلس در حیطه صلاحیت خود قانونی را پاس کند که بعد از این اگر غیر حاضری ها که برای مامورین دولت بیست روز است و پارلمان از این امر منتظنی نیست زیاد شود، اعضای شورای ملی و سنا از مجلس اخراج می شود.

اگر دیروز یعنی زمان ظاهر شاه و سردار داود این مشکل وجود می داشت ما می گفتیم که امنیت، مشکل جدی نداریم و وزیران ناکار آمد وجود ندارد و هر کارمند دولتی از وزیر گرفته تا پیاپی به وظایف خود با عشق و علاقه فراوان کاری می کند و فساد اداری و ... نیست، در آنوقت اگر خواب می کردیم یا اینکه به وظیفه خود نمی آمدم مشکلی پیش نمی آمد.

حالا هر از آن رای دهنده منتظر می ماند که وکیل صاحب را ببینند و نمی توانند این کار را انجام دهند و در کنار آن صداها کار مهم مملکتی است که بدون حضور وکیلان و بدون حضور اعضای کمیسیون ها اجرا نمی شود.

ماده یکصد و هفتاد و پنجم: برای تبلیغ کالا های افغانستان که از کیفیت خوب برخوردار است رسانه ها باید کمک و همکاری نمایند و در قسمت قیمت بخش آگهی تخفیف دهند و یا بخاطر تشویق آن مجانی بخش شود.

ماده یکصد و هفتاد و ششم: تبلیغات نباید محصولات داخلی را بی ارزش سازد و یا اینکه ضرر به بزند.



ماده یکصد و هفتاد و هفتم: استفاده از زن و میسر و نمایش های زننده اندام و دیگر مطالبی که با فرهنگ و یا دین ما مطابقت ندارد.

ماده یکصد و هفتاد و هشتم: به زبان دری و دیگر زبان های ملی کشور و یا در صورت



ضرورت به زبان های خارجی آماده شود و غلط گوینی و غلط نویسی کار درستی نیست.

ماده یکصد و هفتاد و نهم: تبلیغ کالا های غیر ضروری، بی کیفیت، بی ضرر کار درستی نیست و به اقتصاد و صحت ضرر می رساند.

ماده یکصد و هشتاد: در اعلانات باید به آداب و رسوم، ارزش ها و باور های دینی، فرهنگی و محلی در نظر گرفته شود و در آن از تحقیر، اهانت و استهزا کار گرفته نشود.

ماده یکصد و هشتاد و یکم: از آنه گواهی صحت ادعاهای اعلانات باید در دسترس باشد.

ماده یکصد و هشتاد و دوم: از اعتبار شرکت های معتبر سئو استفاده نشود.

ماده یکصد و هشتاد و سوم: اعلانات باید به امنیت فردی و عمومی لطمه نزنند.

ماده یکصد و هشتاد و چهارم: تبلیغات تقلیدی نباشد و از متن، صفحه آرایی، شعار، طرح ارانه بصری و موسیقی و جنبه های صوتی تقلید نشود.

ماده یکصد و هشتاد و پنجم: تامین کننده گان در تبلیغ کالا و خدمات خود نباید مرتکب فعل و ترک فعلی شوند که سبب مشتبیه شدن و یا فریب مخاطب از حیث کمیت و کیفیت شود.

بیمارستان و داکتر نمی تواند تبلیغ کند که بیماری های لاعلاج را در مدت چند روز درمان می کند.

ماده یکصد و شصت و پنجم: تبلیغاتی که گمراه کننده و غیر تخصصی پزشکی مانند هپنوتیزم و جادو و دعا باعث گمراهی مریضان می شود.

ماده یکصد و شصت و ششم: در تهیه اعلانات نکوش و انکار خدمات و یا

مرغوبیت محصولات دیگران ممنوع است.

ماده یکصد و شصت و هفتم: در قسمت اعلانات خواص مواد غذایی، آشامیدنی، دارویی و بهداشتی و آرایشی باید کنترل و کیفیت ششود و یا از علامت های

استانداردهای بین المللی در نظر گرفته شود.

ماده یکصد و شصت و هشتم: اعلانات نباید طوری ترتیب شود که دیگران را فریبند و از واقعیت به دور باشد.

ماده یکصد و شصت و نهم: در اعلاناتی که جوایز نقدی و یا جوایز دیگر در نظر گرفته شده است باید ضمانت های لازم گرفته شود و یا اینکه از صحت و سقم موضوع اطلاع حاصل گردد، در غیر آن مدیر مسئول مسئولیت دارد.

ماده یکصد و هفتاد: تحقیر، تمسخر و استهزا در آگهی ها ممنوع است.

ماده یکصد و هفتاد و یکم: تبلیغ کالا های کودکان نباید طوری انتشار یابد که باعث فریب اشخاص و خانواده ها شود و یا اینکه به صحت آنان خطر داشته باشد.

ماده یکصد و هفتاد و دوم: اعلانات دیواری نباید بر بنا های تاریخی و یا بدون اجازه مالک به دیوار نوشته و یا چسبیده شود.

ماده یکصد و هفتاد و سوم: استفاده از تصویر شخصیت های ملی و سیاسی در اعلانات تجاری و کالا ها کار درستی نیست.

ماده یکصد و هفتاد و چهارم: استفاده از صفت های تفضیلی و عالی و خلاف حقیقت نباید در رسانه ها نشر شود.

قلمداد نکنند.

ماده یکصد و چهل و پنجم: شهادت شهودی که امنیت شان در خطر می افتد کار نادرست است.

ماده یکصد و چهل و ششم: رسانه ها کسانی را که حاضر به شهادت است، قبل از شهادت نباید افشا کند، زیرا جانشان در خطر می افتد.

ماده یکصد و چهل و هفتم: از افشای روابط جنسی کودکان و جرم های کودکان برهیز شود تا آنها انگشت نما و شرمنده نشود زیرا اصلاح آنان به مشکل روبرو می شود.

ماده یکصد و چهل و هشتم: رسانه ها در مورد نشر محاکمات خانواده گی، جرایمی که خلاف عفت عمومی و یا مخل امنیت ملی باید دقت نظر نمایند.

ماده یکصد و چهل و نهم: در موارد قطعی به جرم ارتکاب اختلاس، ارتشاء، مداخله یا تبانی یا اخذ پول در معاملات دولتی، اختلال در نظام اقتصادی، سئو استفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود و دیگران، جرایم گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت باید نشرات بیشتر ی داشته باشند و با دلایل و مدارک قابل قبول به افشای آنان بپردازند.

فصل یازدهم
کدهای تبلیغات و اعلانات تجاری

ماده یکصد و پنجاهم: تبلیغات مواد مخدر، مواد منفجره، تسلیحات، مشروبات الکلی، سگرت و قمار ممنوع است.

ماده یکصد و پنجاه و یکم: منظور از تبلیغات گمراه کننده تبلیغاتی است که به طور بالقوه یا بالفعل، مصرف کننده را گمراه کند و این کار نباید صورت گیرد.

ماده یکصد و پنجاه و دوم: نزاکت، اصول در ستکاری و صحت در تبلیغات ضروری است.

ماده یکصد و پنجاه و سوم: اصول رقابت مشروع و صادقانه رعایت شود.

ماده یکصد و پنجاه و چهارم: موضوع تبلیغات مقایسه یی به گونه یی انتخاب نشود که تبلیغ کننده ی مقایسه یی به طور غیر عادلانه ضرر ببیند.

ماده یکصد و پنجاه و پنجم: نکات مورد مقایسه بر مبنای داده های ارائه شوند که قابل اثبات باشند و این نکات باید در تبلیغات چنان آشکار گفته شوند که معلوم شود دو چیز مشابه باهم مقایسه می شوند.

ماده یکصد و پنجاه و ششم: بر اساس مقایسه های گزینشی، برتری همه جانبه ی یک کالا بر دیگری را ادعا نشده باشد.

ماده یکصد و پنجاه و هفتم: تبلیغاتی که خدمات و کالا های دیگران را بی ارزش یا فاقد اعتبار جلوه دهد ممنوع است.

ماده یکصد و پنجاه و هشتم: از بی تجربه گی کودکان نباید برای گمراه کردن والدین یا اطفال استفاده شود.

ماده یکصد و پنجاه و نهم: نباید به طور مستقیم کودکان را تحریک کند تا والدین خود یا سایرین را به خرید کالا یا خدمات مورد تبلیغ وادار کنند.

ماده یکصد و شصت: از اعتماد خاصی که کودکان نسبت به والدین یا معلمین یا سایرین دارند سوء استفاده نکنند.

ماده یکصد و شصت و یکم: کودکان را به نحو غیر معقولی در موقعیتهای خطرناک نشان ندهند.

ماده یکصد و شصت و دوم: استفاده از کلمات اغوا کننده "بدون خطر"، "بدون زیان" یا واژه هایی نظیر آن در تبلیغات دارویی و بهداشتی ممنوع است.

ماده یکصد و شصت و سوم: موسسات در مانعی حق ندارند تبلیغات گمراه کننده و غیر واقعی را پخش کنند.

ماده یکصد و شصت و چهارم: هیچ

کنفرانس طوری مدیریت شده بود که ابتدا وردک صحبت کرد و بعد چهار چوکي به شاروال سابقه و ريس به هتون دنيا و وزير صاحب گذاشته شد و آقاي وردک در مقابل همه يك چپنه ده هنر افغانيتي از شوال خواست و گفت که بايد به من يك چپن بدهد، بدون اينکه بداند که رشوت خواستن بخاطر نيم ساعت نشستن در مقابل حضار کار خوبي نيست و آبروي خبرنگاران مي روزه؟

بهر صورت شاروال صاحب راجع به کابل جديد وزيار صحبت کرد و هيچ ندانست که زباله و دشت پدوله و شهر جديد چه ارتباطي با صندوق دارد. نطق مشهور تلويزيون طلوع وردک را نابغه خبرنگاري معرفي کرد و روح سيد جمال الدين افغان نارام شد و مردم از کشف نابغه جديد شگفت زده شدند.

بهر صورت اگر با ما مشوره مي شد مي گفتيم که در چار چوکي امور مالي، يك نفر هينت منيره، نفتيش و منشي صندوق بنشينند تا در مقابل خبرنگاران مالي راپور حيف و ميل، تشکيلات و منشي در مورد بي نظمي و سونومديريت و نفتيش در مورد عدم همکاري ريبس به اين بخش صحبت مي کرد.

بالاخره مجبور شدم بخاطر اطلاع رساني به خبرنگاران و حيف و ميل شدن پول هاي اين صندوق بدون اجازه به پشت تربيون بروم و تمام مسائل اداري، تشکيلاتي، حيف و ميل و سونومديريت را به اطلاع همگان برسانم که متأسفانه سه نفر يکي بادي گارد بي سواد وردک، آقاي حيدري و گر داننده کنفرانس دست به يخن بنده زده مي خواستند که مرا از تالار بيرون کنند که مورد اعتراض وزير صاحب سابقه قرار گرفت و همه حضار بکصد گفتند بگذار حرف بزنم.

وردک دست درازي زيادي کرد چون مي دانستم تکليف قلبي دارد خويشتن داري کردم تا بالاخره آقاي بارکزي به او گوشه زد که زد که خبر نگار آبرو دارد بگذاريد صحبت کنيد.

جالب اينجاست که ريبس صاحب از توانسته بود از ۱۷ عضو فقط ۵ عضو را در جلسه بياورد، در چنين جلسه باشکوه ۱۲ عضو غير حاضر بود و اين بدان معناست که حتي اعضاي اين صندوق هم باوي همکاري نکردند و نيامدند و کساني که حاضر بود تکه داران اين صندوق بودند.

ماري نبيسر آيين، نجيبه مرام، (دو نفر عضو غير قانوني و دولتي که در تشکيلات ما مطابق طرز العمل جاي ندارند) رخشانه و حيدري و شخص وردک.

بعد از نشست اندازي ها و حمله هاي متعدد که خوشونت زيادي را در پي داشت نتوانستند که بنده را از تالار بيرون کنند و اطلاع رساني من باعث شد که همه بداندند که در حق اين صندوق چه جفاهاي صورت گرفته است وردک روي ستيز رفت و مرا بچه کوچ و غير حرفه بي معرفي کرد که ايا کش تمام خبرنگاران اين جرئت و شهامت را داشته باشند که از حقوق مادي و معنوي ديگر خبرنگاران چنين دفاع کنند و نگذارند که نامحرمان بيشتر از اين خود را خادمان اين حرفه معرفي کنند.

حرف هاي ريکي و دشمنان هاي اين مرد مرا عصباني نکرد زيرا حقيقت را گفته بودم و مي گويم و اين موضوع تا سارنوالي کشيده خواهد شد، مگر اينکه راپور مالي را امور مالي بدهد و من به عنوان نفتيش مالي وظيفه خود را انجام دهم و پول هاي حيف و ميل شده را دوباره به حساب بريزم و بعد از آن يك شخص مدير و توانا را ريبس صندوق بسازيم و کساني که خيانت کرده اند بيرون کنیم و در آخر من استعفا خواهم داد و تازماني که اين کار را نکرده ام و پول هاي اين صندوق را از تکه داران نگيرم استعفا هم نمي دهم و کسي هم نمي تواند عضويت مرا سلب کند.

گرچه وردک براي من تقدير نامه در نظر گرفته بود که در مقابل همه آنرا پاره کرد و من خوشحال شدم که تقدير بدست ايشان نشدم و گر نه همه مي گفتند که در اين کار ما من هم شريک هستم.

حالا من بايد امور مالي و اداري را نفتيش کنم و راپور آنرا طي کنفرانسي به همه بگويم و چهار ماه مي شود که راپور اداري و مالي داده نمي شود و قانون حق دسترسي به اطلاعات را هم ريبس جمهور امضا کرده است و اين حرکت بيماري خطرناک و روزارت انجام مي شود در دفاتر وزارت که اين

پول زخمي ها و کفن خبرنگاران را دستبرد زده اند يانه؟!

در حالیکه نفتيش حق دارد در صورت بروز مشکلات مالي و يا دست برد به پول خبرنگاران موضوع را به سارنوالي ارجاع دهد که اين کار هم ميشود.

بهر صورت با مشکلات زيادي توانستم يك راپور از حسابدار شخصي وردک بگيرم و در اين

صندوق حمايت مالي از ژورناليستان

سيد داود يعقوبي

راپور جمع کل حساب بانكي شش هزار هفتصد دلار نوشته شده است.

براي اينکه ديده شود که پول ها به حساب ريخته شده است يا نه بايد گردش حساب بانكي يا استر تمنت بانكي داشته باشيم و بدانيم که هزاران دلار ديگر چه شده است؟ اما سه نفر مقاومت مي کنند و خلاف طرز العمل اين گردش بانكي را نمي دهند



حتي از حق العضويت هاي هفتاد نفر هم که نزد ماري نبرد آيين بود پول کم است و چنين باگرفت که بل هونل و غذا و کلبه جورمي کنم و اينطور هم کرد و اين بل ها از نظر نفتيش قابل قبول نيست ما نمي توانيم پول کفن و زخمي ها را اينطور مصرف نمايم.

در قسمت تشکيلات کساني که در هينت مديره



هستند نمي توانند سه جلسه پي هم غير حاضري نمايند در حالیکه ريبس صاحب مدت شش ماه مدت شش ماه ترويج تقدير نامه ها را ترويج کند، ولي با اداره کرد و به ماري نبرد آيين گفت که در اين مدت جلسه نگيرتا من بيايم.

مطابق طرز العمل او ديگر نمي تواند ريبس باشد و مدت شش ماه ديگر هم استراحت بوده و است و حتي در قسمت ترويج تقدير نامه ها را ترويج کند، ولي با ريبس صاحب مي گفت پشتو ديگري مي گفت فارسي و اين مسئله ۱۴ ماه طول کشيد و بالاخره طي کنفرانسسي در پوهنتون دنيا با حضور وزير صاحب سابق و معين صاحب سابق خواست اين تقدير نامه ها را ترويج کند، ولي با مديريت ضعيف ايشان نه تنها هيچ کس نيامد که تقدير نامه ايشان را بگيرد بلکه آنها عصباني هم هستند که پول يك سال داده شده و تصميم امروز گرفته شده که آنها تقدير شوند.

کام اير مي تواند تکت رفت و برگشت تداوي وي را بدهد.

اما آقاي وردک بدون در نظر داشت اينکه چه کساني مستحق هستند شروع به توزيع قرضه کرد و به ماري نبرد آيين پنجاه هزار افغانسي (باوجود اينکه معاش دولتي دارد و مشکلات مالي ندارد و حالا مي گويد که ماه بکصد افغانسي مي پردازم و شرايط را خودم تعيين مي نمايم) به آقاي حيدري

مبلغ بيست هزار افغانتي و ديگران قرضه داد و اخيرا نجيبه مرام هم پنجاه هزار افغانتي خواسته است که اين مسايل آخر باعث شد که سکوت نمايد. در طرز العمل هيچ نوع قرضه دهی ذکر نشده بود و حتي طرز العمل قرضه دهی هم پاس نشده بود که قرضه گيرنده گان به چه مدت با چه شرايط و در چه مدت اين قرضه را بپردازند، اصلا از ابتدا

اين صندوق بخاطر کساني ساخته شده بود که شهيد و زخمي مي شوند و بانک هاي قرضه در کابل زياد است با شرايط خاص هر کس مي تواند از آن بگيرد در قسمت تشکيلات.

ما در ابتدا توانستيم در حدود هفتاد نفر را جذب کنیم و اين افراد يکي دو ماه حق العضويت پرداختند و

بيشتر از ۱۴ ماه قبل دوکتور سيد مخدوم ر هين تعدادي از خبرنگاران را در تالار وزارت اطلاعات و فرهنگ جمع کرد و يك بار ديگر کاروي ايجاد صندوق حمايت مالي ژورناليستان، صندوق مالي نويسنده گان و هنرمندان را روي دست گرفت.

تعدادي از تجار و سرمايه گزاران دعوت شدند و بيشتر از يك ميليون افغانتي در اين صندوق واريگرديد (رجوع شود به گرگل - صندوق مالي حمايت از ژورناليستان) (بر عکس هنرمندان و نويسنده گان از اين دعوت بهره نبردند و نتوانستند صندوق خود را ايجاد کنند).

طرز العمل صندوق توسط خبرنگاران تهيه شد (متأسفانه تا حالا سه بار دست خورده است و هيچ خبرنگاري از اين موضوع اطلاع ندارد و سليلقه بي عمل شده است) و ۱۷ نفر اعضاي هينت مديره مالي و نفتيش مقرر شد.

آقاي وردک بعنوان ريبس، مواج معاون، ماري نبرد آيين منشي و سه نفر هيلي، نجيبه مرام و وردک به عنوان مسوولين مالي و دو نفر حفيظ الله بارکزي و سيد داود يعقوبي به سمت مفتشين تعيين شدند.

در يك ماه اول تمام ولايت و مرکز حاضر شدند که حق العضويت بپردازند و بدين طريق کار تشکيلاتي شروع شود و هزاران خبرنگار عضويت را حاصل نمايند.

اما از همان اول جلسات منظم داير نشد، تشکيلات در خانه ميز ماري نبرد آيين قفل شد و کار تشکيلاتي صورت نگرفت و در کمترين مدت ۴۰ فيصد اعضا از بي مديريتي آقاي وردک خسته شدند و ديگر به جلسات نيامدند.

در تشکيل اين صندوق دو نفر از وزارت، يك نفر از تلويزيون ملي، يك نفر از پوهنتون ژورناليزم دولتي و يك نفر از اکادمي دولتي و باقي همه از نهاد ها خصوصي بود (حالا دو نفر دولتي رخشانه و حيدري از آژانس باختر و اداره امور خلاف طرز العمل اضافه شده است)

حفيظ الله بارکزي بخاطر انتقادي که از وردک در تلويزيون نورين کرد با وجود اينکه وردک را او تشکيف و معرفي کرده بود طي جلسه بي عضويت او را سلب شد. در حالیکه او مسوول نهاد است و کسي نمي تواند او را برکنار کند (عضو شوراي بارکزي عضويت ريبس خود را سلب کرد) و در جلسه بعدي گفت نهاد ما نماينده خود را نمي تواند در برکنار کنند و در جاي کسي ديگري را بفرستند و راي گرفت در حالیکه او نماينده شوراي ژورناليستان است و هر زماني که نهادش مکتوبي براي ما بفرستد و فرد ديگري را معرفي کند او برکنار مي شود او بدون اينکه بداند عضويت ريبس يك نهاد را نمي تواند سلب کند به جاي بارکزي از ارگان هاي محل حيدري را آورد در حالیکه سهميه دولتي ها فقط دو نفر است و جايگزين نهاد شده نمي تواند.

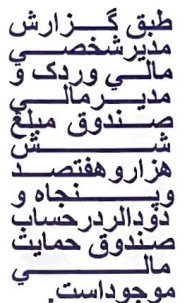
با اختلافي که با مواج داشت او را مجبور به استعفا کرد، با برخوردی که بين مواج و يك عضو قانون مندي شد اين عضو استعفا داد و ريبس صاحب اجازه نداد که عضو ديگري از طرف اين نهاد معرفي شود و ماري نبرد آيين خواهر خوانده خود را خلاف طرز العمل از آژانس باختر معرفي کرد.

بعد از منتي نهاد ها ميدان را به سه نفر ماري، نجيبه و وردک گذاشتند و آنها هم از وقت استفاده کرده خلاف طرز العمل به گزينش افراد دولتي و شخصي پرداختند و بدون در نظر داشت اينکه بايد به نهاد هاي خبرنگاري و دولتي مکتوب روان کنند و اعضاي جديد را از آنها بخواهند به استثنائي قانون مندي مطبوعات نهاد ها ميدان را به دوستان مانند

چون ميدان شغالي شد در اولين قدم هاي اين صندوق که در طرز العمل آن ذکر شده بود که اعضا نمي توانند پاداش و يا معاش نقدي بگيرند، ريبس صندوق يك نفر حساب دار شخصي خود را که نمي توانست معاش بدهد بدون حضور رفقي با پنج هزار معاش مقرر کرد تا حساب و کتاب به گفته خودش در دستش باشد.

با وجود اينکه در طرز العمل آمده بود که اين صندوق براي کساني که زخمي و يا شهيد مي شود کمک مالي مي نمايد و يا اينکه بيماري خطرناک و سختي دچار حال خبرنگاري مي شود در آن صورت

Omid_yaqubi@yahoo.com



وارد کار شدن در اجتماع میباشد، و بعضی دیگر به این باور هستند کار کردن

اجتماعی شدن

است که در هر قوم و قبیله صرف نظر از
کوچکی، بزرگی، ساده‌گی و پیچیده‌گی
نوع آموزش‌پروورش وجود دارد، که
ساختار و محتوای آن از جامعه تا جامعه
دیگر متفاوت است، بنابر این، شکل جامعه



مرحله دوم: نظریات درین مورد متفاوت میباشد، بعضی به این باور هستند که افراد از محیط خانواده به مکتب، و یا

اما برخلاف افرادی که در کشورهای جهان سوم زنده گی میکند، فاقد چنین حیزها هستند که در کشورهای جهان اول

راپور گردش مالی و پول هایی که ریخته شده و یا نسنده و یا کم شده و یا نسنده برای تفتیش داده شود و گزارش یک ساله مطابق طرز العمل که خبر ننگار آن ساخته اند به شورای عالی رسانه ها داده شود.

روستان مالی باید بدانند که مقاومت آنها غیر قانونی است و این حرکت قانون حق دسترسی به اطلاعات را نقض می کند و از پست یاست نشرات و معاونت ژانر باختر استفاده نکنند.